



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد

نقش اسلام سیاسی در سیاستهای ملی و منطقه‌ای لبنان

از

مهدی زیبائی

استاد راهنما

دکتر رضا سیمبر

مرداد ماه ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**دانشکده ادبیات و علوم انسانی**

**گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل**

**نقش اسلام سیاسی در سیاستهای ملی و منطقه‌ای لبنان**

**از**

**مهدی زیبائی**

**استاد راهنما**

**دکتر رضا سیمبر**

**استاد مشاور**

**دکتر احمد جانسیز**

**مرداد ماه ۱۳۹۰**

تقدیم به :

روح پدر

مادر بزرگوار

و همسر بردبارم

## تقدیر و تشکر:

با سپاس و تشکر فراوان از تذکرات سودمند و راهنمایی‌های دقیق و موثر استاد گرانقدر جناب آقای دکتر رضا سیمبر به عنوان استاد راهنما و همچنین استاد محترم جناب آقای دکتر احمد جانسیز که در طول پژوهش حاضر همواره و در تمامی اوقات اداری و غیر اداری خالصانه مساعدت‌های خویش را از اینجانب دریغ ننموده و دانش و تجربیات خود را صادقانه در اختیار بنده قرار دادند.

همچنین بر خود فرض می‌دانم از سایر اساتید ارجمند گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان به ویژه جناب آقای دکتر سید امیر نیاکوئی که در طول دوره کارشناسی ارشد همواره یار و مشوق بنده بودند - و با طرح حوزه‌های مطالعاتی نوین رشته علوم سیاسی در کلاس‌های درس خویش دریچه‌ای تازه را به روی اینجانب گشودند - کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم.

## فهرست مطالب

### عنوان

### صفحه

#### مقدمه: کلیات پژوهش

مقدمه.....	۲
سوال اصلی پژوهش.....	۲
اهمیت پژوهش.....	۳
فرضیات و مشکلات پژوهش.....	۴
پیشینه ادبیات موضوعی.....	۵
متد و منابع.....	۸
شمای کلی پژوهش.....	۹

#### فصل اول: مبانی نظری پژوهش

مقدمه.....	۱۲
زمینه‌های شکل‌گیری مفهوم اسلام سیاسی برای متفکران غربی.....	۱۳
اسلام سیاسی و روابط بین‌الملل.....	۱۶
اسلام سیاسی و لائسیسم.....	۲۲
اسلام سیاسی و سکولاریسم یهودی مسیحی.....	۲۸
اسلام سیاسی تجدید نظر طلب.....	۳۲
اسلام سیاسی و بنیاد گرایی اسلامی.....	۳۶
نوع رفتار و برخورد سیاسی.....	۳۸
مواجهه با پدیده مدرنیسم.....	۳۸
درک و برداشت از دین اسلام.....	۳۹
نوع ساختار و نظام سیاسی.....	۳۹
چگونگی برخورد با پدیده عقلانیت.....	۴۰
نتیجه‌گیری.....	۴۰

#### فصل دوم: انقیاد سیاسی شیعیان لبنان

مقدمه.....	۴۲
ویژگی‌های جمعیتی.....	۴۳
شیعیان لبنان.....	۴۴
تاریخچه حضور شیعیان در لبنان.....	۴۵
وضعیت اجتماعی و اقتصادی شیعیان در دوران معاصر.....	۴۸

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
۴-۲) لبنان در دوران معاصر.....	۴۹
۵-۲) چشم انداز تاریخی از وضعیت سیاسی شیعیان لبنان.....	۵۰
۱-۵-۲) تبعیض تاریخی شیعه.....	۵۲
۲-۵-۲) ترکیب شیعیان لبنان.....	۵۲
۳-۵-۲) شیعیان در کجای لبنان سکونت دارند.....	۵۴
۴-۵-۲) انقیاد شیعیان دوازده امامی در لبنان.....	۵۴
۶-۲) وفاداری سیاسی شیعیان لبنان در قرن بیستم.....	۵۶
۱-۶-۲) توسعه سیاسی ناموزون.....	۵۷
۲-۶-۲) رخدادهای تاثیرگذار در توسعه سیاسی شیعیان.....	۵۸
۱-۲-۶-۲) پیمان النکبه سال ۱۹۴۸ مابین اعراب و اسرائیل و ورود آوارگان فلسطینی به لبنان.....	۵۹
۲-۲-۶-۲) جنگ شش روزه و موافقت نامه ۱۹۶۹ قاهره.....	۵۹
۳-۲-۶-۲) نظامی شدن شیعیان.....	۶۱
۴-۲-۶-۲) بسیج کامل سیاسی شیعیان لبنان.....	۶۳
۷-۲) نتیجه گیری.....	۶۵
<b>فصل سوم: بررسی فعالیت اصلی ترین جریان سیاسی شیعیان لبنان (حزب الله) از منظر جنبش های اجتماعی</b>	
۱-۳) مقدمه.....	۶۷
۲-۳) ماهیت جنبش های اسلامی.....	۶۹
۳-۳) تبیین ظهور جنبش های اجتماعی - اسلامی.....	۷۳
۱-۳-۳) تبیین اجتماعی - عمومی.....	۷۴
۲-۳-۳) تبیین اجتماعی - الهی.....	۷۴
۳-۳-۳) تبیین بحران هویت اجتماعی.....	۷۵
۵-۳-۳) تبیین جمعیتی.....	۷۶
۴-۳) تحلیل روند شکل گیری و تکاملی اسلام سیاسی در لبنان با استفاده از نظریه جنبش اجتماعی.....	۷۷
۵-۳) نظریه جنبش اجتماعی و عمل گرایی اسلامی.....	۸۰
۱-۵-۳) منابع موثر در فرآیند شکل گیری حزب الله.....	۸۳
۲-۵-۳) حمله اسرائیل به لبنان و شکل گیری آخرین فرصت سیاسی.....	۸۷
۶-۳) توسعه و گسترش هواداران.....	۸۹
۷-۳) حرکت حزب الله به سمت میانه روی: سیاست انفتاح (گشایش).....	۹۰
۸-۳) نتیجه گیری.....	۹۳

## فهرست مطالب

### عنوان

### صفحه

### فصل چهارم: حزب الله بازيگر منطقه‌ای (دوره زمانی مورد بررسی ۲۰۰۶-۱۹۸۲)

۱-۴) مقدمه.....	۹۵
۲-۴) ارتباط جامعه شیعی لبنان با جبهه منطقه‌ای عربی- اسلامی در شرف تاسیس حزب الله.....	۹۵
۳-۴) ارتباط جامعه شیعی لبنان با رژیم اشغال‌گر قدس در شرف تاسیس حزب الله.....	۹۷
۴-۴) ارتباط حزب الله و جبهه منطقه‌ای عربی - اسلامی از زمان تاسیس جنبش (۱۹۸۲) تا انعقاد موافقت نامه طائف (۱۹۸۹).....	۹۹
۵-۴) ارتباط حزب الله با رژیم اشغال‌گر قدس از زمان تاسیس جنبش (۱۹۸۲) تا انعقاد موافقت نامه طائف (۱۹۸۹).....	۱۰۷
۶-۴) چکیده‌ای از ارتباط حزب الله با جبهه منطقه‌ای عربی- اسلامی در طول دهه ۸۰ میلادی.....	۱۱۰
۷-۴) ارتباط حزب الله با رژیم منطقه‌ای خاورمیانه پس از انعقاد موافقت نامه طائف (۱۹۸۹).....	۱۱۳
۸-۴) ارتباط حزب الله با جبهه منطقه‌ای عربی - اسلامی پس از انعقاد موافقت نامه طائف (۱۹۸۹).....	۱۱۴
۹-۴) ارتباط حزب الله با رژیم اشغال‌گر قدس پس از انعقاد موافقت نامه طائف (۱۹۸۹).....	۱۲۴
۱۰-۴) ارتباط حزب الله با جبهه منطقه‌ای عربی- اسلامی و رژیم اشغال‌گر قدس پس از عقب‌نشینی رژیم مذکور از لبنان.....	۱۳۰
۱۱-۴) نتیجه‌گیری.....	۱۳۵

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱) اسلام سیاسی از منظر چهارچوب فکری متفکران غرب و دلایل مقابله با آن.....	۱۳۸
۲) نقش حزب الله به عنوان عمده‌ترین جریان اسلام سیاسی لبنان در عرصه ملی کشور مذکور.....	۱۴۰
۳) ارتباط حزب الله با بازیگران منطقه‌ای و تاثیرگذاری آن بر سیاست خارجی لبنان.....	۱۴۲
ب) پیشنهادها.....	۱۴۴

### منابع پژوهش

منابع فارسی.....	۱۴۶
منابع لاتین.....	۱۴۷

## فهرست شکلها

### عنوان

### صفحه

۱-۳) شکل‌گیری حزب الله در لبنان بر اساس نظریه جنبش اجتماعی.....	۷۹
۲-۳) شکل‌گیری عمل‌گرایی شیعی در لبنان بر اساس نظریه جنبش اجتماعی.....	۸۵



## چکیده:

### نقش اسلام سیاسی در سیاست‌های ملی و منطقه‌ای لبنان

مهدی زیبائی

امروزه اسلام سیاسی بعنوان تنها چالش اصلی پیش روی جهان بینی سکولار غرب پی از جنگ سرد به حساب می‌آید و از این حیث باعث زمین‌گیر نمودن سیاست‌ها و طرح‌های مورد نظر سیاست‌مداران غربی در سراسر جهان و بویژه در منطقه خاورمیانه بوده است. وقوع حوادثی در سطح بین‌الملل و تاثیرگذاری آن در معادلات جهانی و همچنین تغییر روند جریان‌ات بین‌المللی در مسیری خلاف جهت مورد انتظار غربیان باعث مورد توجه قرار گرفتن این پدیده در سطح بین‌الملل شده است.

در این ارتباط پاره‌ای از متفکران وقوع انقلاب اسلامی (۱۹۷۹) در ایران را سرآغازی برای ورود اسلام سیاسی به صحنه روابط بین‌الملل می‌دانند و برخی نیز شکست اعراب در جنگ شش روزه (۱۹۶۷) را نقطه عطف این جریان بر می‌شمارند. بهر حال هر واقعه‌ای که نقطه شروع این جریان در نظر گرفته شود یک نکته بایستی مورد توجه قرار گیرد و آن تغییر موازنه به ضرر ایدئولوژی سکولار در عرصه بین‌الملل عصر می‌باشد.

در این بین حضور و فعالیت اسلام‌گرایان در حوزه سیاسی کشور لبنان باعث به وجود آمدن گونه‌ای جدید از جریان اسلام سیاسی در منطقه خاورمیانه و سایر بلاد اسلامی بوده که ضمن به چالش کشیدن پارادایم‌های غرب در خصوص بنیادگرا نامیدن فعالیت تمامی گروه‌های اسلامی باعث اقدامات تقابلی آن (نظیر ارائه طرح نقشه راه -Road Map- توسط ایالات متحده) برای مدیریت اسلام سیاسی و تسلط بر ژئوپولیتیک منطقه خاورمیانه شده است. بنابراین به نظر می‌رسد بررسی دلایل تقابل دو جریان مورد بحث و تبیین الگوی نوین اسلام سیاسی به وجود آمده در جامعه شیعی لبنان برای فهم بهتر وضعیت موجود ضروری می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** اسلام سیاسی، بنیادگرایی اسلامی، سکولاریسم، لبنان، عمل‌گرایی شیعه، حزب الله لبنان، نظریه جنبش اجتماعی

**Abstract:****The Role of Political Islam in Lebanon's National and Regional Politics****Mehdi Zibaei**

After the cold war, the political Islam had been the main challenge to the secular Western view. It is such a challenge that has maimed the relations and plans of the Western politicians for the world and the Middle East.

The fact that has raised attentions toward this phenomenon are the events in the international level and their effectiveness on world relations and their change in a path not anticipated by the West. Following this, some analysts believe that the occurrence of the Islamic Republic in Iran, 1979, was a commencement to the political Islam's entrance to the international relations, while others believe that to be the Six Day War of 1967.

Whatever the starting point may be, what must be noticed is the balance change against today's secular ideology in the international field. Among all is the activity of Lebanese Islamism which has created a new sort of political Islam in the Middle East and other Islamic territories who have been able to challenge the Western Paradigm in calling all Islamic activities as fundamentalism and has brought up measurement actions like the Road Map for peace by the United States. In order to manage political Islam and dominate on geopolitics in the Middle East.

Therefore, it seems necessary- for a better understanding of the present situation- to analyze the confrontation between the two mentioned parties and also to clarify the new political Islam's pattern in the Shi'ite Lebanon.

**Keywords:** Political Islam, Islamic fundamentalism, Secularism, Lebanon, Shi'ite's activism, Hezbollah, Social Movement Theory(SMT)



## مقدمه

با بررسی دقیق دیدگاه‌های متفکرین غربی در خصوص پدیده اسلام سیاسی به نظر می‌رسد شکاف مفهومی عمیقی مابین اسلام‌گرایان و غربی‌ها پیرامون عبارت مورد بحث وجود داشته که این مهم به جهت شناخت شناسی متفاوت غربیان از جهان‌بینی اسلامی می‌باشد.

بر این اساس تفاوت اساسی مابین شیوه فعالیت و جهان‌بینی گروه‌های اسلامی فعال در خاورمیانه (خاصه بین حزب‌الله و القاعده) وجود دارد که نیازمند توجه کافی و تحلیل اجزا تشکیل دهنده آنها می‌باشد چرا که انجام این مهم باعث تمیز جریان‌های اسلامی گوناگون فعال در خاورمیانه شده و همچنین مانع از دسته‌بندی تقلیل‌گرایانه تمامی آنها در صف بنیادگرایان دینی خواهد شد.

## سوالات اصلی پژوهش

حزب‌الله لبنان تاکنون خود را به عنوان یک نیروی انعطاف‌پذیر، موجه، نظامی و سیاسی در لبنان و همچنین در سراسر منطقه خاورمیانه اثبات نموده است. در این میان دلیل اصلی موجودیت یافتن آن ناشی از مقاومت در برابر اسرائیل به جهت اشغال جنوب لبنان، تداوم موج انقلاب اسلامی آغاز شده در ایران سال ۱۹۷۹ (Norton, 2007: 134) و در نهایت ظلم و ستم وارد شده توسط دو ابرقدرت وقت (امریکا و شوروی) بر کشورهای جهان سوم می‌باشد (Norton, 2007: 38). با بررسی روند تاریخی شکل‌گیری و دگرپسسی این جریان سیاسی - اسلامی و ورود حزب‌الله به صحنه سیاسی کشور لبنان این سوالات مطرح می‌شود که آیا می‌توان حزب‌الله لبنان را در کنار گروه القاعده در یک جایگاه عقیدتی، سیاسی و اجتماعی قرار داد؟ در صورت ترورسیت نامیدن حزب‌الله لبنان فعالیت‌های اجتماعی این جریان در لبنان را چگونه می‌توان توجیه نمود؟ با امعان نظر به مختصات در نظر گرفته شده برای جریان‌های بنیادگرا در عرصه سیاست فعالیت‌های حزب‌الله تحت لوای حکومت ملی در لبنان چگونه تبیین می‌گردد؟ علاوه بر این همسازی این جریان با سکولاریسم حاکم بر فضای سیاسی کشور لبنان چه معنایی دارد؟

اجزاء این پژوهش به این نکته می‌پردازد که چگونه حزب‌الله به عنوان یک سازمان اسلامی، اجتماعی، سیاسی و نظامی خود را در جامعه سیاسی لبنان ادغام نموده است. چگونه یک سازمان اسلامی که به عنوان یک گروه تروریستی توسط غربیان شناخته می‌شود در اواسط دهه ۱۹۸۰ شروع به تغییر خود به عنوان یک بازیگر سیاسی مشروع در حکومت ملی لبنان نمود؟ چگونه این جریان

برای ایجاد موازنه در لبنان نیازمند آن است که یک بازیگر مشروع در درون نظام سیاسی لبنان باشد و به موضوعات نظامی مرتبط با آزادسازی لبنان و سایر سرزمین‌های تحت کنترل اسرائیل بپردازد و در نهایت از کشور لبنان در برابر حمله اسرائیل محافظت نماید؟

در این راستا اولین موضوعی که حزب‌الله بدان نیاز دارد حساس بودن این جریان به نیازهای کشور لبنان و همچنین دسته‌بندی سیاسی و منافع داخلی آن است. دومین موضوع مورد نیاز حزب‌الله داشتن وضعیت رادیکال در برابر همسایه خود یعنی اسرائیل، حفظ یک نیروی نظامی بزرگ و پیوستگی یا همسویی با بازیگران بزرگ منطقه نظیر سوریه و ایران صرف نظر از سیاست‌های دولت لبنان می باشد.

حزب‌الله چگونه قادر به متوازن نمودن این منافع خواهد بود؟ این پژوهش به دنبال این است که چگونه حزب‌الله به عنوان یک جریان اسلامی قادر به آشتی دادن این موضوعات به ظاهر متناقض می باشد.

## اهمیت پژوهش

با توجه به تقابل منافع غرب و به خصوص ایالات متحده (به عنوان تنها ابرقدرت موجود در صحنه بین‌الملل و نماد جهان‌بینی غرب بودن این کشور به دلیل جایگاه و حوزه فعالیت آن در عرصه سیاست بین‌الملل) با فعالیت‌های گروه‌های اسلام‌گرا در منطقه خاورمیانه، آشنایی با جریان‌های اسلامی فعال در منطقه مذکور، دلیل تقابل غرب با جریان‌های یاد شده و شناخت استراتژی‌های غرب برای به چالش کشیدن پدیده اسلام سیاسی در منطقه ضروری می نماید.

از زمانی که حزب‌الله تهدیدی مهم برای تمامیت سرزمینی ایالات متحده، هم‌پیمانان جهانی و منافع ملی آن معرفی شده است به نظر می رسد غربی‌ها قادر به تحلیل بی طرفانه این گروه نمی باشند. اظهارات معاون سابق وزارت امور خارجه ایالات متحده ریچارد آرمیتیج (Richard Armitage) در سخنرانی سال ۲۰۰۲ که حزب‌الله را در زمره گروه‌های تروریستی و خطرناک‌تر از القاعده معرفی نمود (Kaplain, 2006: 1-5) نشان از این دارد که تقابل با حزب‌الله در صدر سیاست‌های ایالات متحده قرار دارد لیکن بایستی به این نکته توجه نمود که آیا این جریان اسلامی به واقع در چنین جایگاهی قرار دارد. تاکنون حزب‌الله در قامت یک تهدید مستقیم برای ایالات متحده ظاهر نشده است لیکن این جریان منافع منطقه‌ای امریکا را با اقدامات ذیل به طور جدی مورد چالش قرار داده است:

۲) مطرح بودن به عنوان تهدید بالقوه و گاهاً بالفعل برای اسرائیل،

۳) حمایت غیر مستقیم از فعالیت گروه‌های رادیکال در فلسطین و عراق.

در این میان فهم پویایی تغییر رویکرد سیاسی حزب‌الله به میانه‌روی به عنوان یک بازیگر عقلایی و غیر دولتی در عرصه سیاست ملی لبنان که منتقد قاعده‌مندی سیاسی موجود می باشد از اهمیت بسزایی برخوردار است.

## فرضیه پژوهش

شناسایی حزب‌الله به عنوان یک سازمان تروریستی از زمان شکل‌گیری این جریان (یعنی از سال ۱۹۸۵) تا به امروز با چالش‌های عدیده‌ای روبروست چرا که این نهاد در طول سالیان سپری شده شاهد تغییرات گسترده‌ای در زمینه مدیریت سازمانی، فلسفه حیات و شیوه سیاسی خود بوده است. اگرچه امروزه در عرصه سیاست بین‌الملل پاره‌ای از غربی‌ها حزب‌الله را در زمره گروه‌های تروریستی دسته‌بندی می‌نمایند لیکن در نقطه مقابل دسته‌ای از اسلام‌گرایان نیز سعی در دموکرات نشان دادن مطلق این جریان و انطباق‌پذیری کامل آن با مولفه‌های مدرن غرب دارند. رویکردهای یاد شده علاوه بر جانبدارانه بودن نشان از نابسندگی شناخت آنها از حوزه عمل‌گرایی اسلامی است.

در پژوهش حاضر فرض بر آن است که حزب‌الله فارغ از دیدگاه‌های افراط و تفریط مدار به عنوان یک بازیگر عقلایی فعال و موفق در حوزه‌های ملی و منطقه‌ای با توجه به دگرگونی شرایط در عرصه بین‌الملل نسبت به تغییر رویکردهای خویش اقدام نموده و با انعطاف‌پذیری قابل ملاحظه سعی در پیشبرد اهداف خود دارد.

با مطالعه سیر تاریخی شکل‌گیری و فعالیت حزب‌الله در عرصه سیاسی اجتماعی لبنان این نکته برای هر ناظر بیطرف مشخص خواهد شد که جنبش مورد بحث علاوه بر تغییر رویکرد از افراط‌گرایی به میانه‌روی در عرصه سیاسی لبنان، متشکل از هر دو گرایش افراط و تفریط‌گرا می‌باشد. بر این اساس تروریست نامیدن کامل آن و همچنین دموکرات شناختن مطلق آن نشان از نقصان دیدگاه‌های یاد شده دارد.

## پیشینه ادبیات موضوعی

از منظر این پژوهش مطالعات پیشین صورت پذیرفته در خصوص حزب‌الله لبنان در مجموع به ۳ بخش تقسیم می‌شوند. اولین دیدگاه حزب‌الله را یک سازمان تروریستی با هدف نابودی اسرائیل و ناقض تمامی سیاست‌های ایالات متحده در منطقه خاورمیانه

می‌شناسد، دومین دیدگاه حزب‌الله را بازیگری عقلایی با نقش مشروع نیروی مقاومت در برابر اشغال لبنان توسط اسرائیل به حساب می‌آورد که علاوه بر آن در حال گسترش و توسعه در فضای سیاسی لبنان می‌باشد و سومین دیدگاه که نظرگاه متعادل می‌باشد حزب‌الله را یک سازمان مقاومت سیاسی به تصویر می‌کشد که اقدامات گذشته آن (فعالیت‌های افراط‌گرایانه) بطور کامل قابل دفاع نیست (نظیر فضای حادث شده توسط حزب‌الله در سال‌های ابتدایی شکل‌گیری این جریان) لیکن در عین حال این تشکیلات دارای رفتارهای نهادینه معتبر در چهارچوب هنجارهای بین‌المللی (ارائه خدمات اجتماعی به شهروندان لبنانی، رعایت قوانین مرتبط با جنگ و گاهاً انجام اقداماتی در راستای اهداف دولت لبنان) می‌باشد. پژوهش حاضر ضمن تمرکز بر این دیدگاه به بحث و تبادل نظر در این خصوص می‌پردازد.

بطور کلی کتب به نگارش درآمده در خصوص حزب‌الله لبنان از نقطه نظر محتوایی در ۴ دسته قرار می‌گیرند:

(۱) جانبدارانه به فعالیت‌های این جریان می‌نگرد.

(۲) آن را به عنوان یک تهدید تصور می‌نمایند.

(۳) نسبت به آن جانب بی‌طرفی را رعایت کرده‌اند.

(۴) با دیدگاهی معقولانه به خوب و یا بد بودن اقدامات این گروه پرداخته‌اند.

اکثر متون موجود که در چهارچوب مقالات سیاسی اینترنتی و نظریات شخصی می‌باشند رویکرد خصمانه‌ای نسبت به حزب‌الله دارند. این نظریات که پاره‌ای از آنها پرمحتوی به نظر می‌رسند بسیار کم می‌باشند. بهترین، مفیدترین و در عین حال بی‌طرفانه‌ترین تحلیل تاریخی در این زمینه کتاب "یک داستان کوتاه از حزب‌الله" آگستس ریچارد نورتون (Augustus Richard Norton) می‌باشد. نورتون شرح تاریخی از بوجود آمدن حزب‌الله از زمان شکل‌گیری این جریان به عنوان شاخه انشعابی از گروه امل شیعیان جنوب لبنان ارائه می‌نماید (Norton, 2007: 187). روایت وی از وضعیت حزب‌الله ضمن صادقانه بودن به شیوه بیان تاریخی روند تاسیس حزب‌الله و پرداختن به مولفه‌های تاثیرگذار در شکل‌گیری آن می‌پردازد. کتاب نورتون در برگزیده سیر تاریخی حزب‌الله از زمان تاسیس تا پایان سال ۲۰۰۶ می‌باشد. دلایل جنگ ۲۰۰۶ اسرائیل و حزب‌الله، نقش حزب‌الله را در ساختار سیاسی کشور لبنان به عنوان یک دولت متمرکز (Unitary) توصیف می‌نماید. رویدادهای تاریخی پس از چاپ این کتاب نشان‌دهنده صحت تحلیل پیشگویانه نورتون در بخش نتیجه‌گیری کتاب وی می‌باشند، او معتقد است که حزب‌الله بدنبال استقرار یک دولت متمرکز در لبنان است. به طوری که گذشت زمان و ریاست جمهوری میشل سلیمان در می ۲۰۰۸ درستی نظرات وی را

تصدیق نمود. ساختار موجود حکومت لبنان آنچه را که حزب‌الله بدنبال آن بود فراهم می‌نماید: توانایی برای عدم پذیرش پاره-

ای از تصمیمات حکومت (Blanchard and Sharp, 2008: 1-40).

در این راستا عقیده بیطرفانه دیگری در خصوص دلیل شکل‌گیری حزب‌الله توسط محمد ایوب ارائه شده است. وی ضمن بیان تشابهات فی مابین دو جریان سیاسی-اسلامی حماس و حزب‌الله علت اصلی شکل‌گیری آنها را مقاومت در برابر اشغال‌گران بیگانه می‌داند. یکی از نکات مهمی که ایوب بدان اشاره دارد آنست که حزب‌الله ریشه در تروریسم ملی و فرا ملی ندارد. وی معتقد است که اهداف حزب‌الله فی النفسه ملی بوده و دارای یک هدف استراتژیک مشخص می‌باشد (Ayoob: 213). با توجه به شیوه فعالیت حزب‌الله و حماس مشخص است که این دو جریان شباهت بیشتری با ارتش جمهوری خواه ایرلند دارند تا شبکه القاعده. این دو جریان جنبش‌های مقاومت ملی هستند که هدف اولیه خود را پایان دادن به اشغال خاکشان توسط بیگانگان تعریف نموده‌اند. آنها احزاب سیاسی هستند که با هدف تاثیرگذاری در کشورشان در سیاست‌های ملی مشارکت می‌نمایند. ایشان در فرآیند تاثیرگذاری در سیاست‌های داخلی و خارجی بشدت عمل‌گرا بوده‌اند و رهبری آنها به میزان قابل توجهی در فرهنگ سیاسی دموکراتیک جذب شده‌اند. همه اینها باعث می‌شود که افراد بدین نقطه رهنمون شوند که ایشان در مسیر حرکت به سمت احزاب متعارف سیاسی موفق بوده‌اند (Ayoob: 129).

علاوه بر موارد فوق، دیدگاهی تاریخی، نوین و ملی‌گرایانه‌ای در خصوص حزب‌الله توسط خانم حلا جابر (Hala Jabar) در کتاب "حزب‌الله، حزبی که با کینه متولد شد" ارائه شده است. نویسنده کتاب خویش را بر پایه مصاحبه‌های صورت پذیرفته با رهبران حزب‌الله از ابتدای تاسیس تا پایان عملیات خوشه‌های خشم (Grapes of Wrath) اسرائیل در سال ۱۹۹۶ تهیه نموده است. جابر در کتاب خویش با اندکی حس همدردی به بررسی وضعیت حزب‌الله می‌پردازد. وی جزئیات دیدگاه‌های گوناگون لبنانی‌ها را در خصوص اشغال لبنان توسط اسرائیل، دلایل مقاومت و همچنین حمایت‌ها / مخالفت‌های پیرامون حزب‌الله را بیان می‌دارد (Jabar, 1997: 169).

تکان دهنده ترین بخش کتاب وی پرداختن به جزئیات بمباران نیروهای سازمان ملل و شهروندان غیر نظامی لبنان در شهر تحت اشغال قانا و مرگ غم‌انگیز ۱۰۹ آواره لبنانی توسط نیروهای ارتش اسرائیل است. در این کتاب جابر نتیجه می‌گیرد که حزب‌الله جریانی میانه‌رو است و در راستای برنامه‌های نظام سیاسی لبنان فعالیت می‌نماید. وی معتقد است تاثیرگذارترین عامل در سوق دادن حزب‌الله در مسیر یاد شده انتساب کلیشه‌ای این جریان به سازمانی تروریستی توسط ایالات متحده می‌باشد. او اشاره دارد مادامی که غرب و اسرائیل نگاهشان به مشکلات از دریچه جنگ مذهبی علیه تروریسم باشد آنها در حال انکار مسئولیت خویش



در خصوص ایجاد شرایط برای ظهور جنبش‌هایی نظیر حزب‌الله می‌باشند (با نشانه گذاری مقاومت به عنوان تروریست ایشان بدنبال انکار مشروعیت دلیل اصلی تاسیس حزب‌الله می‌باشند) (Jabar:214).

کتاب سیاست محور دیگری که درباره حزب الله در سال ۲۰۰۷ به نگارش درآمده کتاب "حزب الله تغییر چهره تروریسم" است که مولف آن خانم جودث پالمر هریک (Judith Palmer Harik) می‌باشد. وی با عنایت به سیاست‌های تقابلی امریکا در برابر حزب‌الله در جهان قبل و بعد از ۱۱ سپتامبر از نظرگاه تاریخی به بررسی شکل‌گیری حزب‌الله به عنوان یک جریان اسلامی می‌پردازد. هریک معتقد است حکومت جورج دبلیو بوش بدلیل گرایش‌های سیاسی حزب‌الله را سازمانی تروریستی می‌دانست و با این حربه بدنبال تقویت اهداف سیاست خارجی امریکا در لبنان (و در منطقه) بود. علاوه بر آن در این کتاب به موانع موجود در سر راه حزب‌الله در خصوص ادغام در مسیر اصلی سیاست لبنان، ارتباط کشورهای سوریه و ایران با حزب‌الله و کنترل و حمایت‌های ایشان از جریان مورد بحث نیز اشاره شده است. نکته مهم در کتاب وی آنست که بیطرف دانستن امریکا و یا واسطه امین شناختن این کشور در منطقه با تلاش آن برای منتسب نمودن حزب‌الله به سازمانی تروریستی در یک جهت نبوده و همچنین موافقت ضمنی امریکا با سیاست‌های تهاجمی اسرائیل در برابر لبنان، لطمات شدیدی به وجهه ایالات متحده در منطقه وارد نموده است (Harikr,2007:201).

کتاب ارزشمند دیگری در خصوص جریان اسلامی مورد بحث با عنوان "حزب الله روایتی از درون" به بازار عرضه شده است که توسط نعیم قاسم (Naim Qassem) معاون دبیر کل حزب‌الله به زبان عربی نگاشته شده و توسط خانم دالیا خلیل (Dalia Khalil) به زبان انگلیسی ترجمه گردیده است. کتاب یاد شده اگر چه کاملاً جانبدارانه می‌باشد و در مجموع از نظرگاه یک پشتیبان مقتدر به حزب‌الله و موضع‌گیری‌های آن در رویدادهای تاریخی مختلف نگریسته است لیکن این کتاب ضمن بیان فلسفه و دیدگاه درونی جریان مذکور بازگو کننده برداشت مقامات ارشد حزب‌الله از تصمیمات و سیاست‌های اسرائیل و ایالات متحده در منطقه خاورمیانه می‌باشد. در این کتاب جانبداری قاسم در سراسر کتاب بطور مشهود قابل توجه و مشخص می‌باشد. برای غربیان سخت است که از دیدگاه وی به تحلیل سیاست امریکا بپردازند. قاسم صرفاً به حوادث و اتفاقات سال‌های اخیر توجه نداشته و به وجود هجمه فکری غربیان در حادثه‌ترین شکل آن و از زمان‌های گذشته اشاره دارد که توسط اکثریت سیاست‌مداران غربی دنبال شده است، این مباحث باعث گردیده که موضوعات وی برای غربیان مجاب‌کننده‌تر باشد. بخش تاثیرگذاری که نگرش وی را به تصویر می‌کشد نظرات او در خصوص پیشنهاد اعضای کنگره امریکا برای ملاقات با اعضای حزب‌الله است. قاسم در کتاب خود به صراحت اشاره دارد که دشمنی امریکا با حزب‌الله در سراسر اقدامات و بیانات ایشان مشخص است و تمامی جنبه‌ها و بخش‌های

این جریان را در بر می‌گیرد. این وضعیت در تقابل با باورها و رفتارهای حزب‌الله است که هر دوی آنها منطبق با اصول اسلام بوده و علت اصلی مشروعیت مقاومت در برابر اشغال اسرائیل است. بر این اساس حزب‌الله تلاش‌های اعضای کنگره امریکا برای برقراری ارتباط، نشست و مذاکره را بیهوده می‌داند ... برگزاری نشست مابین حزب و دستگاه سیاسی ایالات متحده دستاورد تازه‌ای نسبت به گذشته برای طرفین در بر ندارد و شرایط را برای طرفین تغییر نخواهد داد (Qassem, 2005: 249). در این راستا به نظر می‌رسد با توجه به حاکمیت روح گرایش‌های سکولاریستی بر ادبیات روابط بین‌الملل نوشته قاسم برای غربیان غریب بوده و قابل فهم نباشد. وی عبارات شدید اللحن ضد غرب را در خصوص برتری حکمرانی مسلمین ایراد می‌نماید و لیکن گرایش شدید او به شکل‌گیری یک دولت اسلامی با طرح یک مجموعه از دلایل عقلایی تعدیل می‌شود. این ایده گزینه‌ای برای تغییر چهره سکولار حکومت موجود لبنان می‌باشد. در مجموع وی در بخش راهنمای کتاب به بیان قاعده‌مند اهداف سیاسی حزب‌الله می‌پردازد و در بخش مربوط به مولف نیز تفاسیر سیاسی شدیداً ضد امریکایی و اسرائیلی را طرح می‌نماید. این کتاب یک چشم انداز بسیار جالب توجه برای پی بردن به دیدگاه‌های این جریان از دریچه آنها می‌باشد و در چهارچوب ایده عصا و هویج مشخص می‌نماید که دستگاه سیاسی امریکا صرفاً به آنها عصا نشان می‌دهد و دستگاه سیاسی همسایگان مانند ایران و سوریه به آنها هویج می‌دهد.

## روشنی پژوهش

در این پژوهش شیوه بررسی موضوع توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای بر وجه تاریخی رویدادهای مرتبط با حزب‌الله تمرکز شده است. منابع مورد استفاده در پژوهش حاضر شامل کتب معتبر لاتین و فارسی موجود در این زمینه، روزنامه‌ها (بعضاً مجازی)، مقالات علمی مجلات تخصصی و همچنین مقالات منتشر شده در روزنامه‌های منطقه‌ای (نظیر دیلی استار بیروت) می‌باشد.

## سازماندهی پژوهش

نکته اصلی که این پژوهش قصد پرداختن به آن را دارد ارائه تحلیل کلیدی بی‌طرفانه از رویدادهای حادث شده در طول تاریخ شکل‌گیری حزب‌الله است که اشاره به رفتار و سیاست این جریان دارد. علاوه بر آن به چگونگی حرکت این جریان به سمت فضای سیاسی لبنان و به بیان واقعیت‌های پیرامون آن می‌پردازد. نوشتار حاضر به ۶ بخش تقسیم می‌شود:

در ابتدا به کلیات پژوهش به عنوان مقدمه تحقیق حاضر پرداخته شده است.

**فصل اول** به بررسی مبانی پژوهش می‌پردازد و در این ارتباط مقوله شناخت‌شناسی غربیان از پدیده اسلام سیاسی را مورد بحث قرار می‌دهد.

**فصل دوم** به تاریخ سیاسی لبنان و سیاست شیعیان این کشور اشاره دارد.

**فصل سوم** اصلی‌ترین جریان اسلامی فعال در عرصه سیاست لبنان را از طریق نظریه جنبش اجتماعی (SMT) مورد تحلیل قرار می‌دهد.

شایان ذکر است این بخش به اهمیت میانه‌روی حزب‌الله در جریان حوادث اخیر می‌پردازد و به این نکته توجه دارد که چگونه این رویدادها موقعیت حزب‌الله را برای ادغام در سیاست‌های روزمره لبنان هموار نمود.

**فصل چهارم** حزب‌الله را به عنوان بزرگترین جریان اسلام سیاسی فعال در عرصه سیاست لبنان در چهارچوب نقش منطقه‌ای این جنبش مورد بررسی قرار می‌دهد و با بیان ارتباطات ما بین جنبش با نظام و زیر نظام‌های منطقه خاورمیانه به تبیین جایگاه حزب‌الله می‌پردازد.

در خاتمه نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌گردد.

